

نسخ اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوت



تسهیلات خرد آخرین اولویت بانک مرکزی

متقاضیان وام ازدواج و وام اشتغال مددجویان نسبت به اهمال بانک‌ها در پرداخت این تسهیلات و عدم نظارت بانک مرکزی گلایه دارند

حمله حامیان احتکار به نماینده افشاگر

علی خضریان، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، این روزها در میانه یک طوفان سنگین و سازمان‌یافته رسانه‌ای قرار گرفته است؛ او که یکی از چهره‌های شناخته‌شده فسادستیزی در ساختار سیاسی کشور محسوب می‌شود، اینک به جای نقد سیاست‌های اقتصادی، خود سوژه اتهامات امنیتی شده است. اگرچه می‌توان در حوزه سیاسی با خضریان اختلاف نظر داشت، اما نقد صریح و مستند او بر عملکرد مدیریتی هلدینگ‌های پتروشیمی، به ویژه در زمینه عرضه محصولات و تنظیم بازار، دردی دیرینه از اقتصاد کشور را نمایان می‌کند.

ماجرای آنجا آغاز شد که خضریان تصویری از دپوی گسترده و فضای باز محصولات پتروشیمی رستمان، از شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ باختر، منتشر کرد. در این تصویر، حجم انبوهی از کیسه‌های مواد اولیه در هوایی باز روی زمین انباشته شده‌اند؛ صحنه‌ای که نشان می‌دهد ظرفیت انبارهای سرپوشیده این مجتمع نیز دیگر پاسخگوی انباشت تولیدات نبوده و مدیران شرکت ترجیح داده‌اند حتی به بهای آسیب دیدن کالاها، از عرضه به بازار خودداری کنند تا با افزایش تقاضا و ایجاد شوک قیمتی، محصولات خود را با سود بالاتری به فروش برسانند.

خضریان با اشاره به ظرفیت رسمی این مجتمع به تولید سالانه ۳۰۰ هزار تن پلی اتیلن سبک خطی و ۳۰ هزار تن بوتن، تأکید کرده که در حال حاضر خط تولید ساعتی ۵۲ تن محصول روانه انبارها می‌کند. به نوشته او، آنچه امروز تحت عنوان اختلاف در زنجیره تأمین مواد اولیه در بازار رواج یافته، نه ناشی از نارسایی واقعی تولید، که معلول تصمیم‌گیری‌های انحصارگراانه در حلقه توزیع است. او مصوبه دولت مبنی بر ممنوعیت صادرات محصولات پتروشیمی را یادآور شده و پرسیده است: با وجود این ممنوعیت، اگر محصولات



مسعود پیل‌مه، دبیر انجمن کشتیرانی ایران در گفت‌وگو با چارسوق مطرح کرد:

اقتصاد کشورهای منطقه به ایران وابسته شده است

- ترامپ دروغ می‌گوید که ناوهای آمریکایی به سلامت از تنگه هرمز عبور کرده‌اند
- اگر محاصره دریایی ادامه هم بیاورد راه‌های جایگزین ایران فراوان است
- نیروهای نظامی ایران با اعمال اسکورت می‌توانند محاصره نظامی را بشکنند
- وضعیت ذخایر کالاهای اساسی در کشور عالی است و مردم نباید هیچ نگرانی داشته باشند
- مطمئن باشید در صورت تداوم شرایط فعلی، تاب‌آوری ایران خیلی بیشتر از آمریکا است





ایران، روسیه و نظم پسا جنگ؛ همکاری راهبردی در سایه تحریم و بازسازی

روابط راهبردی ایران و روسیه پس از حملات اخیر ایالات متحده و اسرائیل، می‌تواند در حوزه دفاع-امنیتی، اقتصاد، انرژی و کریدوری توسعه یابد و گامی مهم در راستای تجارت ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلاری برداشته شود. روسیه می‌تواند بازیگر مفید و مهم در «تاب‌آوری» اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، تأمین نیازهای غذایی داخلی و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده انرژی باشد. همانطور که روسیه به دنبال حفظ روابط راهبردی خود است، ایران نیز رابطه متقابل را «مشارکت راهبردی در بالاترین سطح» محسوب می‌کند.

بسیاری از ایرانیان، روسیه را شریکی کلیدی برای اقتصادی خود می‌دانند؛ زیرا مسکومی‌تواند به ایران در مقاومت در برابر تحریم‌ها، تأمین نیازهای غذایی داخلی و بازسازی بخش انرژی آن کمک کند.

تقویت روابط دو جانبه در حوزه سیاسی و دیپلماتیک

روابط ایران و روسیه، بر اساس امضای پیمان مشارکت جامع راهبردی در ژانویه ۲۰۲۵، حوزه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، نظامی-فنی، امنیتی، انرژی، علمی، فرهنگی و آموزشی را در برمی‌گیرد. در سال ۲۰۲۶ نیز روابط دو طرفه پویاتر شده و دیدارهای سطح بالا ادامه داشته است. همچنین، مسکو حمله آمریکا و اسرائیل به ایران در فوریه ۲۰۲۶ را محکوم و این حملات را نامشروع خواند. ولادیمیر پوتین نخستین رهبر جهان بود که شهادت رهبر ایران را تسلیت و انتخاب آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای را تبریک گفت. همچنین پیام رهبر ایران به پوتین، رازنی‌های سطح بالای دو جانبه، برگزاری بیش از ۱۲ دور مذاکره بین وزرای خارجه دو کشور، سه مکالمه تلفنی بین روسای جمهور دو کشور، کمک‌های بشردوستانه بیش از ۴۰۰ تن کالا به ایران، هماهنگی در مواضع سیاسی دو کشور در مجامع بین‌المللی و ونوی پیش‌نویس قطعنامه آمریکایی، بخش مهمی از روابط راهبردی دو کشور در شرایط جدید است. در همین راستا، در نخستین سفر مقامات ایرانی به روسیه پس از حملات آمریکا و اسرائیل در ۲۷ آوریل ۲۰۲۶، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، برای هماهنگی با شریک خود به سن پترزبورگ رفت. عراقچی از پیام‌های اخیر رئیس‌جمهور روسیه تشکر کرد و گفت که از نظر ما روابط ایران و روسیه یک همکاری راهبردی است که با قدرت و دامنه وسیع‌تری ادامه خواهد یافت. مذاکرات و دیدارهای تهرانبمسکو در حالی برگزار می‌شود که آتش‌بس حاصل از میانجیگری پاکستان به دلیل اختلافات بر سر تنگه هرمز محاصره بنادر ایران توسط آمریکا، با تنش همراه بوده و مذاکرات ایران و آمریکا با چالش‌های جدی روبرو است. علاوه بر بازیگری روسیه و حضور آن در همسایگی ایران؛ نیاز به دیپلماسی فعال و رایزنی‌های سطح بالا، تبادل نظر در مورد تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و چشم‌انداز همکاری‌های مستقیم، نیاز تهران به هماهنگی بیشتر با کرملین را افزایش داده است.

به نظرمی‌رسد همکاری‌های ایران و روسیه نیز وارد مرحله‌ای با ابعاد جدیدتر شده است. همسویی دو کشور در بسیاری از روندهای جهانی، مانند پایه‌گذاری جهان چندقطبی یا مشارکت در ساختارهایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نشان‌دهنده اهمیت روابط دو جانبه برای تهران است. روسیه چندین پیشنهاد برای حل اختلافات بر سر برنزنامه هسته‌ای ایران ارائه داده و آماده میانجیگری است. مسکو بارها پیشنهاد حفظ ذخایر اورانیوم با غنی‌بالای ایران را مطرح و آمادگی خود را برای تسهیل انتقال آن تأیید کرده است، اگر تهران به این نتیجه برسد که ارسال اورانیوم غنی شده در توافق با ایالات متحده ضروری است، انتقال به روسیه اولویت اصلی آن محسوب می‌شود.

ابعاد همکاری تهران و مسکو در حوزه امنیتی و دفاعی

هرچند توافق ۲۰۲۵ شامل پیمان دفاعی متقابل نیست و تعهدی برای کمک نظامی مستقیم ایجاد نمی‌کند، اما تحولات و گزارش‌هایی مبنی بر تبادل اطلاعات، انتقال مستقیم سیستم‌های نظامی یا رسمی سازی چارچوب‌های همکاری وجود دارد. در واقع، تمایل تهران برای مشارکت در همکاری نظامی-امنیتی-اطلاعاتی با روسیه در مقایسه با گذشته افزایش یافته است. از همین روی، می‌توان انتظار همکاری‌های بیشتری در حوزه‌هایی مانند سخت‌افزار و قطعات، مهندسی مگکوس سامانه‌ها، بازسازی پایگاه نظامی-فنی ضعیف‌شده ایران در جنگ، آموزش و تبادل تخصص را داشت. با وجود تقویت روابط برخی از کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس با اوکراین، احتمالاً همکاری تهران و مسکو برای از بین بردن حضور منفی اوکراین در کشورهای خلیج فارس، یک بازی برد-برد محسوب می‌شود.

چشم‌انداز تجارت، ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار

گردش مالی تجاری ایران و روسیه در ۱۱ ماه نخست سال ۲۰۲۵ با ۱۳٫۰۱ درصد افزایش به ۴٫۰۸ میلیارد دلار رسید. هدف بلندمدت دو طرف دستیابی به تجارت سالانه است. البته، در حوزه اقتصادی، تحریم‌ها به عنوان یک عامل ساختاری می‌توانند نقش مهمی در تقویت و تعمیق همکاری‌ها ایفا کنند. ایران و روسیه هر دو تحت فشار تحریم‌های سنگین غرب هستند. همچنین جنگ علیه ایران بر نظم اقتصادی ملی و جهانی تأثیر گذاشته و بسیاری از معادلات را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بازار انرژی تحت تأثیر قرار داده است. از نظر تهران، رایزنی‌های مستمر و جدی بین دو کشور برای مدیریت این شرایط و توسعه همکاری در زمینه‌های مختلف، فرصت‌های همکاری بین دو کشور را افزایش داده و مسیرهای تجاری و انرژی را تقویت کرده است.

همچنین، تهران دیدگاه مثبتی نسبت به تقویت تجارت ایران و روسیه از نظر کیفی و کمی و همکاری گسترده در چارچوب کریدور شمال-جنوب (INSTC) دارد. از دیدگاه بسیاری در ایران، روسیه می‌تواند یک بازیگر مفید و مهم در «بناای اقتصادی» ایران، «تاب‌آوری» در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، تأمین نیازهای غذایی و داخلی ایران و بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده انرژی ایران باشد. روسیه به عنوان یکی از مهمترین شرکای راهبردی ایران می‌تواند در روزهای پس از جنگ به اقتصاد ایران کمک و بخش‌های آسیب‌دیده را بازسازی کند. چارچوب‌های مالی موجود در اوراسیا، مانند بانک توسعه اوراسیا و توافق‌نامه‌های استفاده از ارزهای ملی در معاملات بین اعضا، کاربرد ارزهای ملی و تبادل کالا و خدمات نیز می‌توانند در این مسیر مورد توجه بیشتری قرار گیرند. تقویت اعتبار و قدرت نرم روسیه در میان مردم و جریان‌های سیاسی ایران اهمیت بالایی دارد. اگرچه در افکار عمومی ایران، انتظارات از سطح همکاری با روسیه بالاتر از واقعیت‌های موجود است، اما از دیدگاه بسیاری از جریان‌های سیاسی ایران، نقش فعال مسکونسیبت به جنگ ۱۲ روزه آشکارتر شده است؛ به عبارت دیگر، مجموع اقدامات و مواضع روسیه در قبال ایران تا حدودی تأثیر مثبتی بر افکار عمومی داخل ایران داشته است.

نبض اقتصاد رادردست بگیرید



تسهیلات خُرد؛ آخرین اولویت بانک مرکزی

گزارش

مقتضایان وام ازدواج و وام اشتغال مددجویان نسبت به اهمال بانک‌ها در پرداخت این تسهیلات و عدم نظارت بانک مرکزی گلایه دارند.

مستله تسهیلات خُرد از جمله مهم‌ترین موارد حمایتی دولت در شرایط بحران‌ها و وضعیت فعلی کشور است؛ با این وجود انواع و اقسام تسهیلات خُرد با سخت‌گیری عجیب و سلیقه‌گرایی شبکه بانکی به طور کامل محدود شده است و وضعیت صوفوف چند صد هزار نفری در انتظار دریافت وام اشتغال مددجویان و ازدواج جوانان خود به خوبی گواه این است که تسهیلات خُرد حمایتی آخرین اولویت بانک مرکزی برای پرداخت است!

این وضعیت سبب شده است که متأسفانه صف وام ازدواج و فرزندآوری به بیش از ۱٫۱ میلیون نفر برسد و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی دولت چهاردهم، در جلسات کمیسیون تلفیق با این استدلال

که می‌خواهد صف وام ازدواج را از بین ببرد؛ اجازه افزایش سقف وام فردی ازدواج را نداد. این در حالی است که در دو سال اخیر دلار از حدود ۶۰ هزار تومان به ۱۸۰ هزار تومان رسیده و قیمت همه کالاها را افزایش داده ولی باز هم وام ازدواج تغییری نکرد و در سه سال اخیر یک ریال وام ازدواج را افزایش ندادند و حالا هم باید در صف منتظر دریافت وام ازدواج باشند شاید کسی که الآن ثبت نام کند؛ سال بعد نصیبش شود!

صف وام اشتغال مددجویان

وضعیت در دیگر وام خُرد حمایتی تعیین شده در قانون بوده که بسیار بدتر است؛ صف وام اشتغال مددجویان نیز به بیش از ۳۰۰ هزار ثبت نامی رسیده است و این مددجویان که جزو اقشار بسیار آسیب‌پذیر و پایین جامعه هستند؛ هیچ دسترسی مناسبی به منابع بانکی ندارند و تنها امیدشان به وام اشتغال است؛ موضوعی که اصلاً جزو اولویت‌های آخر بانک مرکزی نیز نیست؛ زیرا هنوز پرداخت منابع مرتبط با وام اشتغال مددجویان قانون بودجه ۱۴۰۴ تصام نشده است

اعطای شد ولی حالا با این افزایش شدید قیمت‌ها، خرید خودرو نیز با وام اشتغال و کمک نهادهای عمومی از بین رفته است زیرا مبلغ وام اشتغال به قیمت دو سال پیش است و هیچ کارکردی بعد از دو سال تأخیر در پرداخت وام اشتغال به مددجویان نخواهد داشت! مجلس شورای اسلامی نیز به این رویکرد غیرمنطقی و غیرعقلانی بانک مرکزی و شبکه بانکی اعتراض دارد و در همین راستا نیز پیگیر ابلاغ سهمیه وام اشتغال مددجویان در همین ابتدای سال از بانک مرکزی است. بانک مرکزی که اذعان این را دارد که وقت وحدت است؛ الآن باید با مردم و مددجویان نهادهای حمایتی وحدت کند و تسهیلات خُرد حمایتی نظیر وام اشتغال مددجویان یا وام ازدواج جوانان را در صدر اولویت پرداخت نظام بانکی قرار دهد نه اینکه آن را در نقطه آخر قرار دهد!

در همین رابطه در روزهای اخیر، نمایندگان مجلس نسبت به این اهمال کاری واضح بانک مرکزی و لزوم حمایت ویژه از پرداخت وام‌های خُرد نظیر وام اشتغال مددجویان واکنش نشان دادند.

مجلس بر عملکرد بانک مرکزی نظارت خواهند کرد

جبار کوچکی نژاد عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در همین رابطه اظهار کرد: همه ساله مبالغ نسبتاً خوبی برای وام اشتغال در نظر گرفته می‌شود. اما وقتی نوبت به اجرای مصوبات می‌رسد، عملکرد مناسبی را از بانک‌ها نمی‌بینیم. مقتضایان با شرایط سخت‌گیرانه بانک‌ها روبرو می‌شوند و نمی‌توانند به مبالغ به موقع دسترسی پیدا کنند. این مسائل باعث می‌شود که در عمل هدف قانون گذار در زمینه اشتغال زایی محقق نشود. در حال حاضر با توجه به توقف مسیر پرداخت وام اشتغال سال جدید به دلیل عدم ابلاغ سهمیه بر بانک جهت پرداخت وام اشتغال مد دجویان، مجلس و دیوان محاسبات بر عملکرد بانک مرکزی و سپس نظام بانکی نظارت خواهند کرد و در صورت عدم ابلاغ این موضوع، اقدامات بعدی را انجام خواهد داد.

همچنین احمد انارکی محمدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به کره خوردن پرداخت وام اشتغال با اهمال کاری بانک مرکزی گفت: تاخیر در تعیین سهم بانک‌ها توسط بانک مرکزی باعث توقف پرداخت تسهیلات اشتغال مددجویان شده است. با توجه به گرانی‌ها و چراکه مددجویان و اقشار ضعیف جامعه برای ایجاد اشتغال و تأمین معیشت خود به این تسهیلات نیاز دارند.

بنابراین مسئله تسهیلات خُرد از جمله مهم‌ترین موارد حمایتی دولت در شرایط بحران‌ها و وضعیت فعلی کشور است؛ با این وجود انواع و اقسام تسهیلات خُرد با سخت‌گیری عجیب بانک مرکزی و سلیقه‌گرایی شبکه بانکی به طور کامل محدود شده است و وضعیت صوفوف چند صد هزار نفری در انتظار دریافت وام اشتغال مددجویان و ازدواج جوانان خود به خوبی گواه این است که تسهیلات خُرد حمایتی آخرین اولویت بانک مرکزی برای پرداخت است.



مجلس شورای اسلامی

به این رویکرد

غیرمنطقی و غیرعقلانی

بانک مرکزی و شبکه

بانکی اعتراض دارد

و در همین راستا نیز

پیگیر ابلاغ سهمیه وام

اشتغال مددجویان در

همین ابتدای سال از

بانک مرکزی است

جنگ ایران؛ پاس گل اقتصادی ترامپ به شی و پوتین

برای صادرات فناوری پاک چین را افزایش دهد. این امر، از سرمایه‌گذاری بلندمدت در جایگزینی سوخت‌های سنتی با برق در بخش حمل‌ونقل و کاهش وابستگی به نفت و گاز حمایت می‌کند. اگرچه این روندها قبل از جنگ نیز وجود داشتند اما آسیب به زیرساخت‌های سوخت فسیلی اکنون سرعت آن‌ها را افزایش می‌دهد.

البته دستاوردهای چین فراتر از انعطاف‌پذیری انرژی است. برخلاف ایالات متحده که با تورم طولانی مدت وارد این مناقشه شد، چین از تورم پایین رنج برده و به نوعی در دام رکود افتاده است. افزایش متوسط قیمت نفت برای پکن می‌تواند مفید هم باشد. چین این تورم را بهتر از رقبا جذب می‌کند، زیرا نفت خام روسیه را با تخفیف مناسب خریداری می‌کند، ذخایر بالایی دارد و بخش پالایش آن تا حدودی افزایش نفت خام را جبران می‌کند. در نتیجه، کالاهای چینی در مقایسه با هم‌تایان غربی رقابتی‌تر خواهند بود.

آمریکادرباتلای

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران نه فقط به بست نظامی منجر شده، بلکه اعتبار رژیم تحریم‌های آمریکا را نیز تضعیف کرده، زیرا بار دیگر نشان داد که ایالات متحده در صورت افزایش قیمت انرژی در داخل کشور، به‌ویژه پیش از انتخابات، ناگزیر تسلیم خواهد شد. تمدید معافیت تحریم‌های نفتی روسیه توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا، به عنوان اقدام محدودکننده برای تثبیت بازار، پیامدهای سیاسی در ایالات متحده و خارج از آن دارد. این امر نخستین کاهش عمده تحریم‌ها علیه روسیه از سال ۲۰۱۴ است و خطر از بین رفتن کامل نظام تحریم‌ها را به همراه دارد.

همچنین، با توجه به اینکه قیمت نفت خام برنت از ریزش ۲۰٫۱ دلار در اواخر فوریه به ۱۲۰ دلار هم افزایش یافت و سپس در محدوده بی ثبات ۱۰۰ دلار قرار گرفت، فدرال رزرو با یک انتخاب دشوار روبه‌رو است؛ افزایش نرخ بهره برای مقابله با رشد تورم ناشی از انرژی و خطر سوق دادن اقتصاد به رکود، یا کاهش نرخ بهره برای حمایت از رشد و خطر افزایش تورم از همین روایالات متحده در معرض خطر افتادن در دام رکود تورمی قرار دارد که کاملاً قابل اجتناب بود.

آمریکا ظاهراً برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای به ایران حمله کرد اما اکنون در معرض افتادن در باتلاقی پر هزینه خلیج فارس قرار دارد. در مقابل، جنگ ایران برای روسیه ده‌ها میلیارد دلار کمک مالی به بار آورده و موقعیت راهبردی چین به طور بالقوه تقویت شده است.



با برداشتن موانع فروش نفت درآمدهای بیشتر را برای مسکو فراهم می‌کند.

چین برنده راهبردی

باور غالب این بود که جنگ در قلب منطقه نفت خیز غرب آسیا، ضربه‌شدیدی به چین به عنوان بزرگترین واردکننده نفت جهان وارد خواهد کرد اما رویدادهای اخیر خلاف این امر بوده و چین موفق شده شوک

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را بهتر از بسیاری از کشورهای منطقه تحمل کند، به طوری که اکنون می‌تواند نسبتاً قوی‌تر از این بحران بیرون بیاید. در واقع، با وجود وابستگی انرژی چین به خلیج فارس، این کشور نیز از وضعیت کنونی سود می‌برد. تنگه هرمز روزانه تقریباً ۵٫۴ میلیون بشکه از تأمین‌کنندگان خلیج فارس را به چین منتقل می‌کند که بیش از دو برابر میزان واردات از روسیه است اما هیچ انگیزه‌ای برای کمک به واشنگتن در تنگه هرمز ندارد. در مقابل، چین اقدامات ظرفیت‌تری انجام داده که شامل مشارکت در دیپلماسی مستقیم با تهران برای تأمین امنیت عبور کشتی‌های چین و خرید بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت خام ایران در هفته‌های اول درگیری است که از طریق سیستم پرداخت بین‌المللی فرامرزی

چین (CIPS) به یوان پرداخت شد.

البته چینی قبل از درگیری، خود را برای اختلال در عرضه نفت آماده کرده بود؛ به طوری که این کشور تنها در ماه‌های ژانویه و فوریه واردات نفت خود را ۱۶ درصد افزایش داد و در این میان، روسیه روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه بیشتر صادر کرد. این درآمدهای انرژی روسیه به شدت کاهش یافت و درآمد حاصل از صادرات نفت در ماه فوریه به زیر ۱۰ میلیارد دلار رسید. طبق گزارش‌ها، کرملین در حال آماده‌سازی کاهش «۱۰ درصدی همه هزینه‌های غیرامنیتی بود اما طبق گزارش موسسه ISE، روسیه می‌تواند در سال ۲۰۲۶ بسته به مدت زمان درگیری، بین ۱۵ تا ۱۵۱ میلیارد دلار درآمد بیشتر کسب کند. حتی در یک سناریوی خوش‌بینانه که جنگ با اوکراین برای روسیه نیز تسهیل‌کارشاسان، محاسبه راهبردی محسوب می‌شود؛ زیرا نمی‌تواند یک فرصت ژئوپلیتیکی غیرمنتظره به باور باتلاق پر هزینه ایران دخالت کند؟

برد پوتین

بر اساس تجربه‌های گذشته، سرنوشت برخی از جنگ‌ها اغلب نه توسط طرف‌های مستقیم درگیر، بلکه توسط بازیگران ثالثی که از آن مزیت راهبردی استفاده می‌کنند، تعیین می‌شود. تشدید بحران بین ایران و محور آمریکا-اسرائیل امروز دقیقاً چنین موردی را ایجاد می‌کند و یکی از بازیگران مهم بدون تردید روسیه است. برای ولادیمیر پوتین، جنگ با ایران در ابتدا یک فرصت ژئوپلیتیکی غیرمنتظره به نظر می‌رسد، زیرا وقتی دستور کار جهانی ناگهان به خلیج فارس تغییر می‌کند، جنگ روسیه و اوکراین ناگزیر به حاشیه می‌رود. از همین‌رو کشورهای اروپایی نیز همین نگرانی را از برای می‌کند که جنگ با ایران می‌تواند به نفع مسکو باشد.

در سیاست بین‌الملل، اولین پیامد جنگ‌ها اغلب در بازارهای انرژی دیده می‌شود. از همین‌رو تهدید ناشی از بحران ایران به‌ویژه در اطراف تنگه هرمز، قیمت جهانی نفت را افزایش داده است. این تحول برای

اکنون تمام بنادر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به حالت تعطیل درآمده است. این تعطیلی می تواند تبعات اقتصادی جدی از جمله اختلال در چرخه تأمین کالا‌های ضروری و بیکاری گسترده را به کل منطقه جنوبی خلیج فارس تسری دهد. درباره امارات هم باید به دقت صحنه را رصد کرد. اهمیت بندر جبل علی دبی در این مطلب است که این مکان به عنوان هاب کانتنبری جهان شناخته می شود. یعنی هر نوع اختلال در این بندر، می تواند فرآیند حمل کالا و شرکت‌های بزرگ فعال در این عرصه را دچار مشکل، فرسایش، تعویق زمانی، خسارت و تعدیل نیرو کند. از این رو، لزوم تعامل سیاسی روسای کشورهای عرب با جمهوری اسلامی ایران جهت حفظ نظم و امنیت منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز ضروری به نظر می رسد. همچنین اهمیت بندر فجیره برای کشور امارات در این است که بخش مهمی از صادرات نفت این کشور از مبدأ این بندر صورت می گیرد. اتفاقاً برعکس تبلیغاتی که می شود جمهوری اسلامی ایران با کنترل هوشمند تنگه هرمز نه درصد ایجاد مشکل برای کشورهای همسایه مسلمان بلکه به دنبال تضمین حمل و نقل ایمن برای آن هاست. ببینید بندر فجیره هم قاعدتاً در این شرایط جنگی باید تابع قواعد تعیین شده از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد. چراکه شرایط جنگی ممکن است هر خطری را متوجه بنادر و شناورهای کند که بی توجه به صحنه نبرد در حال فعالیت هستند. بندر فجیره کرچه از منطقه اصلی تنگه فاصله دارد اما بالاخره فاصله آن از صحنه نبرد نظامی بسیار کم است. امید زیادی دارم که با تعاملات سیاسی میان رهبران کشورمان و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به زودی شاهد تن دادن این کشورها به قواعدی باشیم که برای عبور ایمن شناورهای خودشان لازم است. چراکه آسیب پذیرترین اقتصاد‌ها در برابر جنگ منطقه‌ای همین اقتصاد‌های عربی هستند و لذا انتظار عقابیت بیشتری از مقامات برخی از این کشورها می رود.

■ **محاصره دریایی اعمالی آمریکا علیه ایران را چه مقدار جدی و مؤثر می دانید؟**

محاصره دریایی اعمالی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نقض فاحش حقوق دین‌دورانی تجاری است. مردم عزیز ایران بدانند که کرچه محاصره دریایی ممکن است مشکلاتی برای ما ایجاد کند اما ما هم روزنه‌ها و روش‌های خودمان را برای بی اثر کردن و دور زدن آن داریم. در موضوع توقیف کشتی توسکا هم به دلیل پایمردی و ایستادگی جمهوری اسلامی ایران، نهایتاً با وساطت دو کشور دوست و برادر مدیعی عمان و پاکستان هم کشتی حامل بار و هم خمنه به اسارت گرفته شد آن توأم آن آزاد و تحویل ایران شدند. اخیراً هم موفق شده‌ایم یک کشتی فلدر غول پیکر حامل کالاهای اساسی را با اسکورت و حمایت نیروهای نظامی شجاع کشورمان از میانه محاصره ادعایی آمریکا عبور داده و به بندر مقصد در کشورمان برسانیم. درباره ذخایر کالاهای اساسی هم این روند را به مردم عزیز ایران می‌دهم که در برخی کالاهای اساسی حتی تا ۹ ماه هم ذخیره داریم و در این زمینه وضعیت کشور در شرایط عالی قرار دارد. به نظرم کشور توانمندی مدیریت شرایط و تاب‌آوری لازم در برابر این محاصره را دارد. درباره جایگزینی مسیر تجارت دریایی هم یک توضیحی لازم میدانم که بدهم. ببینید بالاترین حجم و ارزش، بیش‌ترین تجارت در دنیا از طریق دریاست. اما حتی اگر در بدترین سناریوی ممکن محاصره دریایی ایران ادامه هم یابد هیچ مشکل غیر قابل حلی برای ما وجود ندارد. اولاً بیشترین حجم تجارت ایران با کشورهای چین، روسیه، چین، ترکیه و کشورهای سی آی اس خواهد بود که ما از طریق ریلی و جاده‌ای امکان اتصال به همه آن‌ها را داریم. ثانیاً ما سال‌هاست از مسیرهای ریلی همسایگان ترده مسافری و تجاری داشته‌ایم و می‌توانیم برای جبران کمبود بحث دریایی در تجارت، خطوط ریلی و جاده‌ای با همسایگان یعنی عراق، ترکیه، افغانستان، جمهوری باکو، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان راحتی فعال‌تر هم کنیم. بنابراین تاب‌آوری ایران در این زمینه بسیار بالا و راه‌های جایگزین هم فراوان است. درباره وضعیت عالی ذخایر کالاهای اساسی هم پیش‌تر توضیح دادم که مردم خیالشان راحت باشد.

■ **درباره تاب‌آوری آمریکا ایی هادر صورت تداوم شرایط فعلی چه پیش‌بینی و برآوردهی دارید؟**

به نظرم خالی از لطف نیست یک نکته هم به وضعیت دشمن هم داشته باشیم. آمریکایی‌ها اقتصادشان بیشترین وابستگی به واسط‌پذیری از خلیج فارس را دارد. دلیل آن هم این نکته است که هیچ صنعتی در کشورهای جنوبی خلیج فارس وجود ندارد که آمریکایی‌ها به نحوی سرمایه‌گذار یا سهامدار آن باشند. بنابراین درست است که محاصره دریایی ضرباتی به ما خواهد زد اما مطمئن باشید که تداوم اختلال در کشتیرانی خلیج فارس ضربات سهمگینی به اقتصاد آمریکا وارد خواهد کرد. این ضربات شامل خسارت‌های مالی ناشی از توقف فرآیند تولید و صادرات کالا و در نتیجه آن تعدیل‌گسترده نیرو و افزایش فرآینده بیکاری در آمریکا است. بنابراین آمریکا بازنده خواهد بود که آن‌ها کرده است.



مسعود پل مه، دبیر انجمن کشتیرانی ایران در گفت‌وگو با چارسوق مطرح کرد

اقتصاد کشورهای منطقه به ایران وابسته شده است

■ **ترامپ دروغ می‌گوید که ناوهای آمریکایی به سلامت از تنگه هرمز عبور کرده‌اند**

■ **اگر محاصره دریایی ادامه هم یابد راه‌های جایگزین ایران فراوان است**

گفت‌وگو

ترامپ هیچ‌گاه فکرش را هم نمی‌کرد آنچه به عنوان عملیات

نظامی «خشم حماسی» علیه ایران آغاز کرده در نهایت با تحقق «وعده صادق» ایران در منطقه‌ای کردن نبرد، اقتصاد جهانی را به چنین وضع اسف‌باری دچار کند. برای درک بهتر وقایع مرتبط با کنترل هوشمند تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی ایران و اعمال محاصره دریایی از سوی ایالات متحده و سطح تأثیرگذاری این اقدامات بر هر یک از طرفین درگیر و اقتصاد جهانی به گفت‌وگو با مسعود پل مه، دبیر انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته نشستیم:

■ **این روزها این سؤال خیلی در میان مردم حتی کارشناسان مطرح و مورد بحث است که آیا جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد بین‌المللی دین‌دورانی حق اعمال کنترل هوشمند بر عبور و مرور در تنگه هرمز دارد؟**

جمهوری اسلامی ایران عضوی از سازمان بین‌المللی دین‌دورانی است. این عضویت، حقوقی برای ما در تنگه هرمز قائل می‌شود که ما سال‌ها به هر دلیلی درصد احقاق آن نبودیم. اما جنگ تحمیلی سوم با همان جنگ رمضان ما را بر آن داشت که از طریق کنترل هوشمند تنگه هرمز، حقوق حقه خودمان را مطالبه کنیم. عدم تخلیه ناچای آب توازن، عدم تخلیه زیاله و جلوگیری از آلودگی‌های نفتی موادی است که جمهوری اسلامی ایران به سبب عضویت در سازمان بین‌المللی دین‌دورانی و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط می‌تواند بر آن نظارت و با آن برخورد کند. از سوی دیگر در شرایط جنگی این حق برای ایران به رسمیت شناخته شده که از تردد کشتی‌ها شناورهای تحت مالکیت یا مرتبط با کشورهای متخاصم جلوگیری بر عمل آورد. حتی ما اجازه داریم از آن قبیل فعالیت‌های تجاری که کمک‌کننده یا تشدیدکننده فعالیت نظامی دشمن هستندمانعت به عمل بیاوریم. هم‌اکنون به غیر از شناورهای تحت مالکیت یا مرتبط با دشمن که ذکر شد؛ ترده‌عادی تحت ضوابط تعیین شده جمهوری اسلامی ایران برای سایر شناور‌ها در جریان است. کنترل هوشمند تنگه هرمز دقیقاً به همین معناست و کشورها باید به سازوکار جمهوری اسلامی ایران جهت تداوم این تن دهند. لازم به ذکر است که ضوابط و سازوکار اعمال‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران کاملاً منطبق بر قواعد بین‌المللی و مصالح عالییه کشورمان است.

■ **آمای از شناورهای خواهان عبور از تنگه هرمز یا اجازه و هماهنگی جمهوری اسلامی ایران دارید؟**

هم‌اکنون بیش از ۳۰۰۰ کشتی با ملیت‌ها، انواع، اوزان و کاربری‌های گوناگون در صف تردد از تنگه هرمز قرار دارند. برخی از این کشتی‌ها به دلیل وحشت از شرایط جنگی حاکم شده از سوی آمریکا و اسرائیل بر منطقه، خودشان اصلاً تمایلی به عبور فوری از تنگه هرمز ندارند. از سوی دیگر، اهمیتی که جمهوری اسلامی ایران به عبور ایمن کشتی‌ها

می‌دهد باعث شده که ظرفیت روزانه تردد کشتی‌ها محدود و مدیریت شده باشد. اما تأکید می‌کنم که عبور مرور همواره برقرار است. همچنین نباید فراموش کنیم که مسئول وضعیت فعلی، تحمیل‌کنندگان جنگ به ملت ایران هستند و دنیا باید از آن‌ها مطالبه و به آن‌ها اعتراض کند.

■ **لطفاً درباره اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس برای اقتصاد جهانی توضیح دهید.**

۲۰ درصد از سهم تجارت دنیا مربوط به منطقه خلیج فارس است. ۶۰ درصد از منابع و ذخایر سوخت فسیلی دنیا در منطقه ما قرار دارد. بیش از جنگ رمضان، روزانه ۱۱۰ تا نقر غول پیکر حامل نفت، گاز، مشتقات نفتی، گاز مایع و انواع سوخت از تنگه هرمز عبور می‌کردند. ۳۵ درصد گاز مورد نیاز جهان به همراه ۴۰ درصد محصولات پتروشیمی دنیا که از قضا در بحث کشت و زرع بسیار مهم هستند از تنگه هرمز عبور می‌کنند. همه این‌ها یعنی یک گردش مالی ۱۸۰۰ میلیارد دلاری در سال و ۱۵۰ میلیارد دلاری در ماه از طریق تنگه هرمز در جریان بوده که با اقدام جنگ‌افروزان آمریکا و رژیم صهیونیستی متوقف شده‌است.

■ **آیا اقتصاد جهانی در همین کوتاه‌مدت، تبعات بحران در تنگه هرمز را حساس کرده‌است؟**

دنیا تاجیح جنگ رمضان را با افزایش قیمت بنزین در جایگاه‌های سوخت به خصوص در مناطقی چون اروپا و آمریکا به چشم می‌بیند. هزینه انرژی مصرفی جهت گرمایش یا سرمایش منازل به شدت بالا رفته است. الان قیمت کود مصرفی کشاورزان دنیا به بالاترین حد خودش رسیده است. از طرفی قیمت سوخت مصرفی کشتی‌ها از قیمت ۷۵۰ تا ۴۵۰ دلار سه ماه پیش به حداقل ۳۰۰ دلار در هرن رسیده است. همه این‌ها نشان‌دهنده ایجاد یک تورم جهانی در اثر مشکلات پیش‌آمده در تنگه هرمز است. این تورم ناشی از توقف ماهیانه ۱۵۰ میلیارد دلار تجارت جهانی از طریق تنگه هرمز و در نتیجه کمبود کالا و انرژی در سراسر دنیا است.

■ **اما رئیس جمهور آمریکا بارها وعده داده این شرایط موقتی است و با پایان جنگ با ایران و در صورت پیروزی او همه قیمت‌ها کاهش خواهد یافت.**

ترامپ ظاهراً این جمله معروف را فراموش کرده که خراب کردن آسان و ساختن دشوار است. وگرنه هیچ‌گاه ادعایم کرده که بازارهای بورس و انرژی جهان به زودی و با پایان جنگ با ایران به حالت عادی بازخواهند گشت. ببینید وقتی یک بحران بین‌المللی مؤثر بر اقتصاد رخ می‌دهد؛ بازارهای مالی شروع به منقبض شدن می‌کنند و این فرآیند جزای اطمینان کامل از حل بحران و عدم تکرار آن متوقف نخواهد شد. البته این شرایط نااطمینانی را آمریکا و رژیم صهیونیستی خودشان به وجود آورده‌اند. وقتی دومرتبه در میانه دیپلماسی که کشوری به‌ای میزمازگه نشسته حمله می‌کنید خب معلوم است دنیا همیشه با تردید به هر نوع وعده آمریکا و رژیم صهیونیستی برای عدم تهاجم سوم نگاه خواهد کرد. الان دو همدین اقدامات نظامی آمریکا و رژیم

رقابت جهانی هوش مصنوعی فقط به الگوریتم، تراشه و نرم‌افزار محدود نیست؛ زیرساخت‌های بزرگ محاسباتی به برق ارزان، پایدار و فراوان نیاز دارند و همین مسئله انرژی را به یکی از میدان‌های اصلی رقابت جهانی هوش مصنوعی به تبدیل کرده است. جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، در ظاهر ادعای تهدیدهای امنیتی و نگرانی هسته‌ای توجیه شد، اما پیامدهای آن به بازار انرژی، تنگه هرمز و هزینه راه‌اندازی خوشه‌های بزرگ هوش مصنوعی نیز کشیده شده است. کشورهای حاشیه خلیج فارس با انرژی ارزان، سرمایه‌های عظیم و توان ساخت سریع زیرساخت، به مقصد جذاب شرکت‌های فناوری آمریکا تبدیل شده‌اند؛ اما بی‌ثباتی ناشی از تقابل با ایران، این مزیت را تهدید می‌کند. ایران به دلیل ذخایر بزرگ نفت و گاز و کنترل بر تنگه هرمز، به کشوری تعیین‌کننده در اقتصاد انرژی عصر هوش مصنوعی تبدیل شده است. معادل ۱.۵ درصد مصرف

برق جهان بوده و پنج سال گذشته سالانه ۱۲ درصد رشد کرده است. در این میان، برق به یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌ها تبدیل شده‌است. بسیاری از اقتصاد‌های غربی با محدودیت مذاکرات آتش‌بس در اسلام‌آباد و آغاز محاصره دریایی بنادر ایران، بحران وارد مرحله‌ای شد که آثار آن فقط به حوزه نظامی محدود نماند. تنگه هرمز، بازار نفت و گاز، مسیرهای کشتیرانی و حتی آینده زیرساخت‌های هوش مصنوعی به یک‌دیگر گره خوردند. گزارش‌های اخیر نیز نشان می‌دهد بسته شدن یا محدود شدن عبور از هرمز، قیمت نفت را بالا برده و اختلال اقتصادی جهانی ایجاد کرده‌است.

هوش مصنوعی به مسئله انرژی تبدیل شد

رقابت جهانی در هوش مصنوعی دیگر فقط رقابت بر سر مدل‌های زبانی، الگوریتم‌های بهتر یا تراشه‌های پیشرفته نیست. خوشه‌های بزرگ هوش مصنوعی برای آموزش و اجرای مدل‌های عظیم به برق بسیار زیاد، شبکه پایدار، سرمایه‌ش مداوم و تراشه‌های با مصرف نیاز دارند. آژانس بین‌المللی انرژی برآورد کرده مصرف برق دیتاسنترها در سال ۲۰۲۴ حدود ۴۱۵ ترازوات ساعت، معادل ۱.۵ درصد مصرف برق جهان بوده و پنج سال گذشته سالانه ۱۲ درصد رشد کرده‌است. در این میان، برق به یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌ها تبدیل شده‌است. بسیاری از اقتصاد‌های غربی با محدودیت

اخبار



ایران آسیب دید اما تسلیم نشد؛

روایت آتلانتیک از یک تاب‌آوری غیرمنتظره

گزارش رسانه آمریکایی آتلانتیک نشان می‌دهد جنگ ۶۵ روزه آمریکا و اسرائیل اگرچه ضربات سنگینی به توان نظامی، زیرساختی و اقتصادی ایران وارد کرد، اما نتوانست تهران را به تسلیم وادار کند. ایران در وضعیت تضعیف‌شده معیار یا اتکا به موقعیت جغرافیایی، مین‌گذاری، پهبادهای ارزان و ناوگان قایق‌های کوچک، کنترل خود بر تنگه هرمز را حفظ کرده و عبور روزانه بیش از ۱۳۰ کشتی را به ۳ شناور محدود ساخته است. این وضعیت، شوک بزرگی به بازار انرژی و تجارت جهانی وارد کرده و طبق برآورد پنتاگون، هزینه جنگ برای آمریکا را به حدود ۲۵ میلیارد دلار رسانده است. ایران در جنگ اخیر تاب‌آوری غیرمنتظره‌ای از خود نشان داده است و اهرم تنگه هرمز نیز به نوعی نقش بازآرندگی در جنگ افروزی دوباره علیه این کشور دارد. از نگاه آتلانتیک، ایران آسیب دید اما شکست نخورد و تداوم ایستادگی تهران، به معنای تحمیل درد اقتصادی بیشتر به جهان و افزایش فشار بر آمریکا و اسرائیل برای پذیرش خواسته‌های ایران است. رسانه آمریکایی آتلانتیک در تحلیلی از جنگ اخیر ایران، تصویری متفاوت از روایت رسمی واشنگتن ارائه کرده‌است. اگرچه آمریکا و اسرائیل نتوانستند ضربات سنگینی به توان نظامی، زیرساختی و اقتصادی ایران وارد کنند، اما نتیجه جنگ به معنای فروپاشی قدرت بازآرندگی تهران نبود. ایران آسیب دید، اما تسلیم نشد و ضمن نشان دادن تاب‌آوری فوق‌العاده و غیرمنتظره، توانست مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی خود یعنی تنگه هرمز را در قلب معادله جنگ نگه دارد.

ایران آسیب دید اما اهرم اصلی خود را حفظ کرد

جنگ ۶۵ روزه برای ایران هزینه‌های سنگینی داشت. بخشی از توان نظامی کشور، هدف قرار گرفت، زیرساخت‌ها آسیب دید، اقتصاد زیر فشار قرار گرفت و جامعه نیز با پیامدهای انسانی و معیشتی جنگ روبه‌رو شد. آمریکا و اسرائیل تلاش کردند این ضربات را نشانه شکست راهبردی ایران معرفی کنند و حتی دونالد ترامپ مدعی شد اگر جنگ در همین نقطه متوقف شود، ایران برای بازسازی به سال‌ها زمان نیاز خواهد داشت.

اما واقعیت میدانی پیچیده‌تر از این تصویر است. ایران با وجود آسیب‌های وارد شده، همچنان توانست یک اهرم کلیدی را حفظ کند: امکان اثرگذاری بر تردد دریایی در تنگه هرمز. این اهرم باعث شد جنگ فقط در سطح نظامی باقی نماند و به سرعت به بحران انرژی، تجارت جهانی و هزینه‌های اقتصادی برای آمریکا و متحدانش تبدیل شود.

هرمز: نقطه تبدیل جنگ نظامی به فشار اقتصادی

تنگه هرمز در جریان جنگ از مهم‌ترین نقطه فشار ایران تبدیل شد. پیش از آغاز جنگ، روزانه بیش از ۱۳۰ کشتی از این آبراه عبور می‌کردند؛ اما در اوج بحران، این عدد به تنها ۳ شناور کاهش یافت. هم‌زمان، حدود ۱۵۵ کشتی شامل نفتکش‌ها، کشتی‌های فله‌بر و کانتنبری در خلیج فارس معطل ماندند و منتظر عبور امن از یکی از حساس‌ترین مسیرهای انرژی جهان شدند.

این وضعیت نشان داد تنگه هرمز فقط یک مسیر حمل‌ونقل دریایی نیست، بلکه اهرم‌های اقتصادی و راهبردی است. هرگونه اختلال در این آبراه، مستقیماً بر قیمت نفت، هزینه بیمه، زنجیره تأمین، بازار انرژی و تجارت جهانی اثر می‌گذارد. به همین دلیل، کنترل ایران بر هرمز، حتی در شرایط تضعیف نظامی، توانست فشار بزرگی بر آمریکا و اسرائیل ایجاد کند و آنان را با هزینه‌های غیرقابل چشم‌پوشی روبه‌رو سازد.

جنگ نامتقارن در برابر برتری کلاسیک آمریکا

ایران از نظر توان نظامی کلاسیک با آمریکا قابل مقایسه نیست. ناوهای بزرگ، جنگنده‌های پیشرفته، بمب‌افکن‌ها و سامانه‌های پدافندی آمریکا هزینه‌ای بسیار سنگین را در بربرتری فناوریانه کتبه می‌کنند؛ اما ایران در جنگ اخیر نشان داد که در میدان نامتقارن، ضعف در قدرت کلاسیک لزوماً به معنای شکست نیست.

مین‌گذاری، پهبادهای ارزان، قایق‌های کوچک و موقعیت جغرافیایی ایران در دهانه هرمز، ابزارهایی کم‌هزینه اما اثرگذار هستند. پهبادهای شاهد یکی از نمونه‌های روشن این منطق جنگی‌اند. هزینه تولید آن‌ها بسیار پایین‌تر از تسلیحات پیشرفته آمریکایی است، اما برای مقابله با آن‌ها گاه باید مهماتی بسیار گران‌تر مصرف شود. همین عدم تقارن هزینه، جنگ را برای آمریکا فرسایشی و پرهزینه می‌کند.

ناوگان قایق‌های کوچک ایران نیز در همین چارچوب اهمیت دارد. این قایق‌ها شاید در برابر ناوهای بزرگ آمریکا از نظر قدرت آتش قابل مقایسه نباشند، اما در آبراه‌های باریک مانند هرمز می‌توانند مزاحمت عملیاتی، ریسک بیمه‌ای و فشار روانی قابل توجهی ایجاد کنند. کاهش ظرفیت این ناوگان به معنای حذف کارکرد آن نیست؛ زیرا حتی سطحی محدود از تهدید می‌تواند بازار انرژی و کشتیرانی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

هزینه ۲۵ میلیارد دلاری جنگ برای آمریکا

نخستین برآورد پنتاگون از هزینه جنگ ایران برای آمریکا، رقمی در حدود ۲۵ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. این رقم، اهمیت جنگ نامتقارن ایران را روشن‌تر می‌کند. آمریکا برای مقابله با ابزارهایی کم‌هزینه، ناچار به استفاده از سازوکارهای بسیار گران‌نظامی، اطلاعاتی و لجستیکی شده‌است.

این شکاف هزینه، یکی از نقاط ضعف قدرت‌های بزرگ در برابر بازیگران نامتقارن است. ایران لازم نیست از نظر تجهیزات نظامی با آمریکا برابر باشد؛ کافی است بتواند هزینه اقدام نظامی علیه خود را آن قدر بالا ببرد که تداوم جنگ برای واشنگتن از نظر سیاسی و اقتصادی دشوار شود. هرمز دقیقاً در چنین نقطه‌ای قرار دارد؛ جایی که جغرافیا، انرژی و امنیت جهانی به هم گره می‌خورند.

تاب‌آوری غیرمنتظره ایران در برابر فشار کامل

با وجود حملات گسترده، ایران همچنان توانست بخشی از قدرت عملیاتی خود را حفظ کند. آمریکا اعلام کرده در جریان عملیات خود بیش از ۱۳ هزار هدف را بمباران کرده‌است، اما این حجم از حملات به تسلیم ایران منجر نشد. تهران همچنان توان اعمال فشار در هرمز، تهدید مسیرهای دریایی و تحمیل هزینه اقتصادی به بازار جهانی را حفظ کرده‌است. این وضعیت نشان می‌دهد مفهوم تاب‌آوری فقط به معنای سالم ماندن زیرساخت‌ها یا بی‌اثر بودن حملات نیست. ایران آسیب دیده، اما نتوانسته پس از آسیب نیز اهرم‌های اصلی خود را فعال کند دارد. در جنگ‌های فرسایشی، همین توان ادامه دادن و تحمیل هزینه به طرف مقابل، می‌تواند مانع تبدیل برتری نظامی دشمن به پیروزی راهبردی شود.

خلیج فارس: مقصد تازه زیرساخت‌های محاسباتی

افزایش تقاضای انرژی در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، اهمیت کشورهای حاشیه خلیج فارس را برای شرکت‌های فناوری آمریکا بیشتر کرده‌است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی سه مزیت هم‌زمان دارند: منابع فراوان انرژی، صندوق‌های ثروت‌ملی بزرگ و توان اجرایی بالا برای ساخت سریع پروژه‌های زیرساختی. طبق برآورد PwC، هوش مصنوعی می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۲۰ میلیارد دلار به اقتصاد غربی آسیا اضافه کند و عربستان و امارات سهم مهمی از این رشد خواهند داشت.

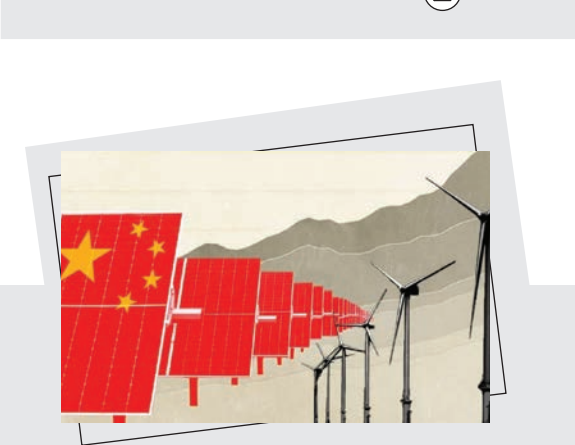
این کشورها فقط تأمین‌کننده سرمایه نیستند؛ آن‌ها می‌توانند به محل استقرار هوش‌های بزرگ محاسباتی نیز تبدیل شوند. از نگاه شرکت‌های فناوری آمریکا، ساخت دیتاسنتر در خلیج فارس می‌تواند بخشی از محدودیت‌های شبکه برق و تأخیرهای نظارتی در آمریکا و اروپا را دور بزند؛ اما اقتصاد ایران بودن این مسیر، به یک شرط مهم وابسته است: ثبات منطقه‌ای. تنش با ایران دقیقاً قیفاً متغییری است که این ثبات را تهدید می‌کند.



شبکه برق و تأخیر چندساله در اتصال دیتاسنترهای جدید مواجه‌اند. تراشه‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه پردازنده‌های گرافیکی مورد استفاده در آموزش مدل‌های بزرگ، گرمای زیادی تولید می‌کنند و بخش مهمی از انرژی دیتاسنترها

صرف خنک‌سازی می‌شود. به همین دلیل، شرکت‌هایی

مانند مایکروسافت، آمازون و گوگل برای حفظ برتری در هوش مصنوعی، بیش از گذشته به دسترسی به برق ارزان، پایدار و فراوان نیاز دارند.



جنگ آمریکا علیه ایران؛ آینده انرژی پاک بیش از گذشته در دستان چین

محمدعرفان قاسمی

بر اساس گزارش اندیشکده آمریکایی «شورای روابط خارجی»، بسته‌شدن تنگه هرمز مسیر گذار انرژی در جهان را تحت تأثیر قرار داده است. کشورهایی که به واردات سوخت از غرب آسیا وابسته‌اند، اکنون ناچارند برنامه‌های انرژی تجدیدپذیر، باتری، خودروهای برقی و توسعه شبکه برق را با سرعت بیشتری دنبال کنند؛ حوزه‌هایی که چین در آن‌ها مزیت صنعتی گسترده‌ای دارد.
پکن علاوه بر تسلط بر پتل‌های خورشیدی، باتری‌های لیتیوم‌یونی و خودروهای برقی، حدود ۷۰ درصد بازار پالایش ۱۹ ماده معدنی حیاتی و نزدیک به ۶۰ درصد تولید جهانی آلومینیوم را در اختیار دارد. در مقابل، آمریکا با وجود جایگاه خود به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده LNG جهان، به دلیل وابستگی به نفت و گاز طبیعی مایع‌شده غرب از انرژی پاک و اتکای بیشتر به مدل «دولت نفتی»، با چالش‌های بلندمدت در برابر «دولت الکتریکی» چین روبه‌روست.

به گزارش مسیر اقتصاد، بسته‌شدن تنگه هرمز فقط جریان نفت و گاز را مختل نکرده، بلکه آینده گذار انرژی در جهان را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. بسیاری از کشورهایی که به نفت و گاز طبیعی مایع‌شده غرب آسیا وابسته‌اند، اکنون با آسیب‌پذیری تازه‌ای روبه‌رو شده‌اند و ناچارند برنامه‌های خود برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، باتری‌ها، خودروهای برقی و زیرساخت‌های برق را سریع‌تر پیش ببرند. در این میان، چین برنده اصلی این تغییر مسیر محسوب می‌شود. مزیت پکن فقط به رهبری در تولید پتل‌های خورشیدی، باتری‌های لیتیوم‌یونی و خودروهای برقی محدود نیست؛ این کشور در زیرساخت‌های برق، تولید صنعتی مرتبط با انرژی پاک و نوآوری‌های نسل بعدی انرژی نیز جایگاه قدرتمندی به دست آورده‌است. به همین دلیل، صرف‌نظر از نتیجه درگیری میان آمریکا و ایران،

چین در نظم جهانی پساجنگ موقعیت بهتری خواهد داشت.

پیشرفت سریع چین در فناوری‌های انرژی پاک می‌تواند از نظر مقابله با تغییرات اقلیمی خبرمثنبتی باشد، اما ادامه درگیری‌ها و افزایش تقاضای جهانی برای انرژی، چالش ژئواکونومیک بلندمدت آمریکا را عمیق‌تر می‌کند.

چین بازیگر اصلی گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر است

فیلیپین، یکی از متحدان قدیمی آمریکا، نمونه‌ای روشن از پیامدهای فوری بحران هرمز است. این کشور که ۹۸ درصد نفت خود را از غرب آسیا وارد می‌کند، نخستین کشوری بود که وضعیت اضطراری انرژی اعلام کرد و برای کاهش مصرف، هفته کاری چهارروزه را در دستور کار قرار داد. اکنون فیلیپین قصد دارد روند ساخت پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر را تسریع کند؛ تصمیمی که وابستگی این کشور به چین را نیز افزایش می‌دهد، آن هم در شرایطی که کشور دو سال هاست بر سر مسائل ارضی اختلاف دارند. راهول آکروال، توسعه‌دهنده یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انرژی در فیلیپین، به وال استریت ژورنال گفته است مجوزهای این پروژه تنها چند روز پس از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران صادر شد؛ در حالی که این روند معمولاً ماه‌ها طول می‌کشید.

برتری چین در تولید پتل‌های خورشیدی، باتری‌های لیتیوم‌یونی و خودروهای برقی، کوشی چین بینگ را از آن‌ها با عنوان «سه‌گانه جدید» یاد می‌کند، ریشه در توان عظیم صنعتی این کشور دارد. اکنون تقریباً همه جهان از تسلط چین بر عناصرخاکی کمیاب و آهن‌رباهای مرتبط با آن آگاه‌است؛ موادی که در توربین‌های بادی، خودروهای برقی و بسیاری از فناوری‌های پیشرفته کاربرد دارند. براساس داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، چین به‌طور میانگین حدود ۷۰ درصد بازار پالایش ۱۹ ماده معدنی حیاتی را در اختیار دارد. علاوه بر این، بخش عمده مواد شیمیایی و ماشین‌آلات مورد نیاز برای تولید «سه‌گانه جدید» نیز در چین ساخته می‌شود.

مزیت چین فراتر از مواد معدنی حیاتی است

تسلط چین فقط به مواد معدنی حیاتی محدود نیست. آلومینیوم به دلیل ویژگی‌های الکتریکی، شیمیایی و مکانیکی خاص خود، نه‌تنها در تولید خودروهای برقی و تجهیزات انرژی پاک، بلکه در خطوط انتقال برق، پهپادها و بسیاری از صنایع دیگر کاربرد دارد.

تولید آلومینیوم انرژی بسیار زیادی مصرف می‌کند. به همین دلیل کشورهایی مانند بحرین، امارات متحده عربی، با وجود فاصله زیاد از معادن بوکسیت، به تولیدکنندگان مهم آلومینیوم تبدیل شده‌اند؛ اما جنگ، صادرات آلومینیوم این کشورها را نیز مانند صادرات نفت و گاز آن‌ها مختل کرده‌است. در چنین شرایطی، چین که حدود ۶۰ درصد تولید جهانی آلومینیوم را در اختیار دارد، می‌تواند نفوذ بیشتری به‌عنوان تأمین‌کننده‌ای ارزان و قابل اتکابه دست آورد. کشورهایی که با سرعت بیشتری به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، باتری‌ها و خودروهای برقی حرکت می‌کنند، ناچار خواهند بود شبکه‌های برق خود را نیز توسعه دهند. این روند شامل احداث خطوط انتقال برای جابه‌جایی برق از مناطق بادخیزو آفتابی به شهرها، ایجاد تجهیزات مدیریت ذخیره‌سازی برق و توسعه ایستگاه‌های شارژ خودروهای برقی می‌شود. همان‌طور که بسیاری از اقتصادهای در حال رشد مستقیماً از تلفن ثابت به عصر تلفن همراه وارد شدند، اکنون نیز ممکن است بسیاری از کشورها به جای سرمایه‌گذاری گسترده در خطوط لوله و جایگاه‌های سوخت، مستقیماً به سمت زیرساخت‌های برق حرکت کنند؛ به‌ویژه اگر «دولت الکتریکی» جای «دولت نفتی» را بگیرد.

دولت الکتریکی چین در برابر دولت نفتی آمریکا

چین به‌عنوان بزرگ‌ترین «دولت الکتریکی» جهان، از این جهش انرژی سود قابل توجهی خواهد برد. این کشور طی دو دهه گذشته شبکه برق عظیم خود را توسعه داده و اکنون آماده است خطوط انتقال، ترانسفورماتورها و تجهیزات شبکه را به سراسر جهان صادر کند. پکن همچنین به‌تدریج توانایی ارائه نرم‌افزارهای مدیریت شبکه برق را نیز به دست آورده‌است. این نرم‌افزارها بر ابزارهای شبکه امکان می‌دهند منابع متنوع و متغیر انرژی تجدیدپذیر را مدیریت کنند. شرکت‌های دولتی چین حتی در برخی مناطق آمریکا جنوبی و جنوب اروپا، ساخت و مدیریت کامل شبکه‌های برق منطقه‌ای و ملی را بر عهده گرفته‌اند. در کنار این موارد، سرمایه‌گذاری گسترده چین در تحقیق، توسعه و آزمایش فناوری‌های نوین انرژی نشان می‌دهد این کشور قصد دارد موقعیت خود را در آینده نیز تقویت کند. مهم دانشمندان و مخترعان چینی در انتشار مقالات علمی با کیفیت و ثبت اختراع در حوزه انرژی‌های نوبه‌سریع‌تر در حال افزایش است.

■ پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۷ ■ ۱۴ May ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۶۰

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۰۶۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۴۳۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



اعتبار در مسیر بازسازی پول در خدمت تولید

گزارش

در شرایط فشارهای خارجی و افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی، نگاه به رشد پایه پولی در ایران از یک تهدید تومری به یک فرصت برای هدایت همدفند اعتبار و تقویت بخش‌های مولد در حال تغییر است.

در نظام‌های اقتصادی پیش‌رو، به‌ویژه کشورهایی که در معرض فشارهای خارجی و تلاطمات ناشی از جنگ‌های ترکیبی قرار دارند، نگاه به «پول» و «اعتبار» لزوماً باید از رویکردهای سنتی و خنثی مرسوم در ادبیات اقتصادی فاصله بگیرد. در اندیشه اقتصادی انقلاب اسلامی و براساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بانک مرکزی مطابق با سیاست اقتصادمقاومتی باید تقدشقی فعال

در هدایت منابع به سمت بخش‌های مولد ایفا کند. موضوع «هدایت اعتبار» که همواره بر ابزارهایی نظیر سهمیه‌بندی تسهیلات یا تعیین اولویت‌های قطعی متمرکز بوده، نیازمند یک بازخوانی جدی در حوزه «پایه پولی» است. واقعیت این است که مدیریت و تخصیص رشد پایه پولی، نوک پیکان این راهبرد محسوب می‌شود. در شرایطی که کشور با محدودیت منابع ارزی و ضرورت بازسازی و تقویت بنیه دفاعی و زیرساختی مواجه است، طراحی یک الگوی فعالانه برای تعیین ترکیب و محل مصرف نقدینگی جدید، به مثابه یک ابزار دفاعی-توسعه‌ای عمل می‌کند.

واقع‌گرایی پولی و ضرورت مواجهه با رشد اجتناب‌ناپذیر

تحلیل متغیرهای پولی ایران نشان می‌دهد که بخشی از رشد نقدینگی در سال‌های پیش‌رو، پیامد ساختاری نظام بانکی فعلی است. برقر تسریع‌نمایی روشن، می‌توان سال ۱۴۰۵ را به عنوان یک مقطع میان‌مدت در نظر گرفت. برآوردهای کارشناسی حکایت از آن دارد که در صورت تداوم روند فعلی، رشد نقدینگی امسال می‌تواند به حدود ۵۰ درصد برسد. این عدد در حقیقت بازتاب‌دهنده افزایش تقاضای برای ذخایر بانکی است و بنیادین را تنها در قالب یک رقم اتراعی بررسی کرد؛ به‌طوری‌که این روند به

اولویت‌های راهبردی در تخصیص خطوط اعتباری

در نگاه راهبردی، تخصیص حجم نقدینگی با افزایش معادل ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان (۸۰۰۰ همت) مواجه شود، با در نظر گرفتن نرخ ذخیره قانونی متعارف (حدود ۱۰ درصد)، سیستم بانکی به‌طور خودکار به ۸۰۰ هزار میلیارد تومان پایه پولی جدید نیاز خواهد داشت تا تعادلات داخلی خود را حفظ کند. اینجاست که نقطه عطف راهبرد جدید بانک مرکزی آشکار می‌شود. این رشد ۸۰۰ همتی پایه پولی، یک واقعیت محتوم است که بانک مرکزی در نهایت ناگزیر از تأمین آن خواهد بود. رویکرد منفعلانه، این منابع را به حال خود رها می‌کند تا بر اساس منافع کوتاه‌مدت بانک‌های خصوصی به سمت سوداگری یا بخش‌های غیرمولد حرکت کند اما رویکرد حاکمیتی ایجاب می‌کند که از همین ابتداء برای هر احداث از این رشد اجتناب‌ناپذیر، برنامه‌ریزی عملیاتی صورت گیرد.

راهبرد اولیه‌ای مدیریت بازار و توسعه ملی

برنامه راهبردی پیشنهاد شده برای مواجهه با این ۸۰۰ همت، تقسیم‌هوشمندانه آن به دو حوزه «ثبات‌بخشی» و «پیشرفت» است. در مدل‌های متعارف، کل این رقم صرفاً برای رفع ناترازی بانک‌ها یا عملیات بازار بین بانکی مصرف می‌شود اما در مدل اقتدار پولی، نیمی از این توانمندسازی (۴۰۰ هزار میلیارد تومان) باید به عملیات بازار باز و مدیریت نقدینگی کوتاه‌مدت (رئیی) اختصاص یابد تا ثبات پولی حفظ شود. نکته دیگر، یعنی ۴۰۰ هزار میلیارد تومان دوم، باید مستقیماً در قالب «خطوط اعتباری مشروط و

همدفند تعریف گردد.

این تقسیم‌بندی به‌معنای آن است که بانک مرکزی از وضعیت یک «تأمین‌کننده منفعل نقدینگی» خارج شده و به یک «سیاست‌گذار کنش‌گر» تبدیل می‌شود. در این چارچوب، دسترسی بانک‌ها به منابع پرقدرت بانک مرکزی، حقی از پیش تعریف شده نیست، بلکه امتیازی است که در قبال عملکرد آن‌ها در راستای اهداف کلان ملی اعطا می‌شود. این منابع باید به‌رگ‌های حیاتی اقتصاد کشور تزریق شوند تا تضمین گر ثبات کشور در میانه فشارهای جنگی باشند.

پرقدرت حاکمیتی با بازدهی حداکثری و دقت راهبردی به نقاط تعیین‌کننده اقتصاد اصابت کند و برکات اقتصادی آن، به‌شکلی هماهنگ و یکپارچه در مسیر تحکیم پایه‌های اقتدار و خودکفایی ایران اسلامی جاری شود.

نظارت مشروط در مسیر عملیات تا اصابت به هدف

انحراف از منابع در سیستم بانکی، یکی از چالش‌های مزمن بوده که در شرایط جنگی به مثابه خیانت به منافع ملی تلقی می‌شود. در راهبرد هدایت اعتبار، دسترسی بانک‌ها به ذخایر موردنیازشان کاملاً مشروط به «تسهیلات‌دهی متناظر» است؛ یعنی بانک مرکزی زمانی ۸۰۰ همت نیاز پولی نظام بانکی را پوشش می‌دهد که اطمینان حاصل کند نیمی از آن تسهیلات متناظر در بخش‌های مصوب پرداخت شده‌است.

این سازوکار، بانک‌ها را از واسطه‌گران صرف‌وجوه، به بازران اجرایی حاکمیت برای توسعه تبدیل می‌کند. در این الگو، نظارت بانک مرکزی بر مصرف اعتبار، لحظه‌ای و هوشمند خواهد بود. این رویکرد به‌معنای پایان دادن به رانت‌های ناشی از خلق پول توسط بانک‌های خصوصی و بازگرداندن «حق‌الضرب» پول به خزانه معنوی حاکمیت است.

تغییر جایگاه بانک مرکزی از حسابدار به معمار

دفاع از اقتصاد ملی ایجاب می‌کند که بانک مرکزی ایران در خط مقدم فرماندهی قرار گیرد. تاکنون، نگاه حاکم‌برمدیریت پولی، کنترل صرف «کمیت پول» با ابزارهایی همچون کنترل ترانزنامه بود. اگرچه کنترل کل‌های پولی برای مهار تورم حیاتی است اما تمرکز انحصاری بر آن بدون در نظر گرفتن «کیفیت و جهت پول»، کشور را با رکود تحمیلی مواجه می‌کند.

در معماری جدید، بانک مرکزی نه فقط مسئول حجم پول، بلکه معمار و طراح نقشه جریان اعتبار» است. این بانک باید مشخص کند که خون ریالی در کدام رگ‌ها جاری شود تا از چالش‌های تولیدی جلوگیری شده و تورم‌های بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه کوچک شوند. در دوران جنگ و بازسازی، تغییر جایگاه مورد اشاره لزوماً یک الزام حیاتی و حتمی برای صیانت از بقای اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود و نباید آن را در زمره ترجیحات یا انتخاب‌های اختیاری مدیریتی قلمداد کرد. تخصیص ۸۰۰ همت پایه پولی پیش‌بینی شده برای سال ۱۴۰۵، باید به‌عنوان یک «فرصت استراتژیک» برای پرتاب اقتصادی کشور به سمت خودکفایی در نظر گرفته شود.

وحدت میدان پولی و نظامی

استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی ایران در گرو پیوند میان توان نظامی و قدرت پولی است. استفاده فعالانه از رشد پایه پولی برای هدایت اعتبار به سمت اولویت‌های راهبردی، همان قطعه‌گم‌شده‌ای است که می‌تواند تحریم‌ها را بی‌اثر و بنیان‌های تولید را تقویت کند. با اجرای دقیق این الگو، نقدینگی که همواره

به‌عنوان یک تهدید و عامل تورم‌زا نگرسته می‌شد، به سوختی برای موتور محرک پیشرفت و ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های عظیم ملی تبدیل می‌شود.

ایران قوی، نیازمند بانک مرکزی است که فراتر از کلیشه‌های مرسوم بین‌المللی، «اعتبار» را به‌عنوان یک دارایی حاکمیتی مدیریت کرده‌وآن را در خدمت رفاه عمومی، امنیت ملی و شکوفایی تولید ملی قرار دهد. مسیر رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۵، آزمونی بزرگ برای عبور از اقتصاد منفعل به سمت اقتصاد مقاومتی پویا و مقتدر است. مسیری ساخت‌تمدن نوین اسلامی مبدل خواهد شد.

استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی ایران در گرو پیوند میان توان نظامی و قدرت پولی است. استفاده فعالانه از رشد پایه پولی برای هدایت اعتبار به سمت اولویت‌های راهبردی، همان قطعه گم‌شده‌ای است که می‌تواند تحریم‌ها را بی‌اثر و بنیان‌های تولید را تقویت کند

افزایش ۳۷ میلیاردی هزینه سوخت در آمریکا به خاطر جنگ علیه ایران

هزینه جنگ با ایران در حوزه انرژی، ۳۷ میلیارد دلار هزینه برای آمریکایی‌ها به دنبال داشته‌است. تازه‌ترین آمار «دانشگاه براون» نشان می‌دهد جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بیش از ۳۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار هزینه اضافی در حوزه انرژی به آمریکایی‌ها تحمیل کرده‌است. شمشادشگر «صد هزینه‌های انرژی جنگ علیه ایران» که توسط «مدرسه امور عمومی و بین‌الملل واتسون» در دانشگاه براون ارائه‌رانی شده‌است و این هزینه‌ها را به‌صورت لحظه‌ای تخمین می‌زند، حاکی است که این جنگ از ۲۸ فوریه (نهم اسفند) تاکنون بیش از ۳۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار هزینه‌های آمریکایی‌ها را در زمینه انرژی افزایش داده‌است.

هزینه روزانه یک میلیارد دلاری تنها در حوزه نظامی

بررسی‌های انجام‌شده در خصوص هزینه‌های نظامی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نشان داد که تنها در حوزه نظامی آمریکایی‌ها به‌طور روزانه ۱ میلیارد دلار هزینه کردند.

تجربه جنگ اخیر نشان می‌دهد که آغاز مجدد هرگونه عملیات نظامی علیه ایران، می‌تواند به یکی از پرهزینه‌ترین درگیری‌های تاریخ معاصر برای واشنگتن تبدیل شود؛ جنگی که هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن تنها در بخش نظامی، روزانه به میلیارد‌ها دلار خواهد رسید. کارشناسان نظامی معتقدند گسترده‌گی جغرافیای ایران، توان موشکی، عمق راهبردی منطقه‌ای و حساسیت مسیرهای انرژی باعث می‌شود هرگونه درگیری احتمالی، فراتر از یک عملیات محدود نظامی باشد و به‌سرعت به بحرانی فرسایشی و فوق‌العاده پرهزینه تبدیل شود. بخش مهمی از هزینه‌های جنگ، مربوط به استقرار ناوهای هواپیمابر، جنگنده‌ها، سامانه‌های پدافندی، پهپادها و هزاران نیروی نظامی در منطقه است. تنها نگهداری و عملیات روزانه یک ناو هواپیمابر آمریکایی به ده‌ها میلیون دلار هزینه‌نیاز دارد، علاوه بر این، استفاده مداوم از موشک‌های دوربرد، بمب‌های هدایت‌شونده، سوخت‌رسانی هوایی و عملیات اطلاعاتی، هزینه‌های عملیاتی را به‌شکل تصاعدی افزایش می‌دهد، در چنین شرایطی، حتی چند هفته درگیری می‌تواند ده‌ها میلیارد دلار بار مالی برای آمریکا ایجاد کند. یکی دیگر از ابعاد این درگیری، اثر مستقیم آن بر بازار جهانی انرژی است، هرگونه ناامنی در خلیج فارس و تنگه هرمز می‌تواند باعث جهش شدید قیمت نفت و گاز شود؛ مسئله‌ای که نه‌تنها اقتصاد آمریکا بلکه اقتصاد متحدان غربی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد.

گران‌فروشی به بهانه شرایط جنگی؛ برخورد دولت در راه است؟



زیادی از التهاب‌ها خودبه‌خود فروکش می‌کند. همانطور که به‌دشواری دیدیم در روزهایی که شهرهای مختلف ایران زیر بمباران آمریکایی‌ها بود هیچ کمبود و کسری در کالاهای اساسی و... وجود نداشت.

در کنار این اقدامات، حمایت از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان قانون‌مند نیز اهمیت زیادی دارد. بسیاری از فعالان اقتصادی نیز با افزایش هزینه‌ها مواجه‌اند و برای ادامه فعالیت به ثبات در سیاست‌ها و بازار نیاز دارند. به همین دلیل، سیاست مؤثر آن است که هم‌زمان با برخورد با متخلفان، مسیر فعالیت سالم اقتصادی نیز تقویت شود.

بازار ایران در روزهای اخیر اگرچه با موجی از افزایش قیمت روبه‌رو شده، اما همچنان ظرفیت بازگشت به ثبات را دارد؛ به‌ویژه اگر نظارت‌ها جدی‌تر شود و با گران‌فروشی و سوءاستفاده از شرایط جنگی برخورد شود. تجربه نشان داده هرزمان بازار احساس کند زیردین نظارت قرار دارد و امکان سودجویی محدود شده‌است، قیمت‌ها نیز سریع‌تر به تعادل نزدیک می‌شوند.

در نهایت، آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، حفظ آرامش بازار است. مردم به‌خوبی می‌دانند کشور در شرایط خاصی قرار دارد، اما در عین حال انتظار دارند در همین شرایط نیز اجازه‌دهنده نشود فشار اقتصادی بیش از حد بردوش خانوارها بیفتد. مهار گرانی‌های بی‌ضابطه و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها می‌تواند همان پیام‌روشنی باشد که جامعه در این روزها منتظر شنیدن آن است.

کافی در بازار وجود دارد و قیمت‌ها تحت نظارت است، بخش